



## سمینار مشترک "گفتگوی ایران و ترکیه در مورد تحولات منطقه‌ای" در پژوهشکده

### مطالعات استراتژیک خاورمیانه

روز شنبه ۱۹ دی ۱۳۹۴، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه با همکاری انجمن علوم سیاسی ایران نشستی مشترک را با مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه ترکیه (اورسام) در خصوص "دیدگاه‌های ایرانی و ترکیه‌ای در مورد تحولات منطقه‌ای" برگزار کرد. در این نشست، برخی از اعضای مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه ترکیه، پژوهشگران مقیم و مهمان پژوهشکده، اساتید دانشگاه و جمع کثیری از دانشجویان مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد از دانشگاه‌های مختلف حضور داشتند. از سوی مرکز اورسام، دکتر شعبان کارداش و دکتر امره ارشن و از سوی پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه نیز دکتر کیهان برزگر رییس پژوهشکده، دکتر قدیر نصری مدیر گروه روندهای فکری پژوهشکده و دکتر عبدالرسول دیوسالار، پژوهشگر مهمان پژوهشکده به طرح دیدگاه‌های خود در ارتباط با موضوع نشست پرداختند. پس از آن، در بخش گفتگوی ایران و ترکیه، محققان ایرانی و ترک دیدگاه‌های خود را درباره روابط ایران و ترکیه به طور اختصار بیان کردند. در پایان نیز سخنرانان نشست مزبور به پرسش‌های حضار پاسخ دادند.

در آغاز، دکتر کیهان برزگر رییس نشست به حضار خوشامد گفت. سپس، وی ضمن اشاره به دو تحول مهم منطقه یعنی شکاف کنونی میان ترکیه و روسیه در نتیجه سرنگونی جت روسی توسط ترکیه و شکاف میان ایران و عربستان سعودی در نتیجه بحران سفارت عربستان در تهران، بیان کرد که پرسش اصلی این نشست این است که تحولات اخیر چه تاثیری بر روابط ایران و ترکیه در مسائل منطقه‌ای داشته است. از

نقطه نظر وی، روابط ایران و ترکیه در منطقه را می توان از ابعاد مختلفی بحث کرد. مهم ترین بعد آن، روابط دو جانبه و تأثیرات منطقه ای است. در روابط دو جانبه، موضوعاتی مانند ثبات سیاسی، ادغام اقتصادی، اتصال انرژی و تبادلات اقتصادی حائز اهمیت هستند. تکیه مثبت این که این روابط همواره بطور مثبت تعاملات دو کشور را تحت تاثیر قرار داده است. دو کشور تمایل دارند که سطح مبادلات اقتصادی را به حدود ۲۰ میلیارد دلار برسانند. این تحول می تواند آثار مثبت بخش زیادی در منطقه داشته باشد.

سپس، دکتر برزگر به بعد منطقه ای روابط دو کشور تاکید کرد که در سالهای اخیر با بروز بحران های منطقه ای بخصوص در سوریه مهم تر شده است. در این خصوص، وی توضیح داد که روابط دو کشور را شاید بتوان در چارچوب ساختار - کارگزار بخوبی بحث کرد. ساختار پویایی های سیاسی - امنیتی و نظم کنونی منطقه و کارگزار هم دولت ها هستند. بنابراین، در این چارچوب، "روابط دولت با دولت در پرتو پویایی های منطقه ای" مطرح می باشد. در سال های اخیر، به دلیل بحران های منطقه ای در سوریه و عراق و نیز وجود رقابت های فزاینده برای پر کردن خلأ قدرت در منطقه، این جنبه از روابط دو کشور مهم تر شده است. چنانچه به روابط دو کشور در این چارچوب توجه شود، موضوعاتی مانند موازنه قوا، ائتلاف های منطقه ای و تاحدی، همکاری و رقابت در چارچوب روابط تاریخی مطرح می شوند. این جنبه از روابط بسیار مهم است و نقطه ثقل بحث امروز ما نیز همین مساله است.

از دیدگاه دکتر برزگر، بعد سوم روابط دو کشور را می توان در پرتو روابط با قدرت های بزرگ<sup>۱</sup> تعریف کرد. در این باره، وی اظهار کرد که در این چارچوب، به روابط ایران و ترکیه باید دو متغیر سیاست های آمریکا و روسیه را هم اضافه نمود و اینکه چگونه ایران و ترکیه در سایه سیاست های مستقل خود به عنوان قدرت های منطقه ای روابط با قدرت های بزرگ را متعادل می کنند. به عنوان مثال، برای ترکیه دانستن

---

<sup>۱</sup>. Great Powers

این مسأله مهم است که چگونه توافق هسته ای ایران روابط ایران و غرب را تحت تأثیر قرار خواهد داد. آیا برجام روابط ایران و غرب و در راس آن آمریکا را تقویت می کند یا رقابت ها بین دو طرف به شکل دیگری در منطقه تداوم می یابد؟ همچنین، در چارچوب روابط ترکیه و روسیه، این پرسش برای ترکیه مطرح است که چگونه مداخله روسیه در بحران سوریه، روابط ایران و روسیه را تحت تأثیر قرار می دهد؟ آیا این شروع یک رابطه راهبردی است یا فقط برای دفع تهدید مشترک می باشد؟ فهم دقیق این مسئله برای ترکیه مهم است.

سرانجام، دکتر برزگر در جمع بندی بحث خود عنوان کرد که این سه جنبه از روابط به نوعی بر هم تاثیر می گذارند. مجموعه ای از روابط منطقه ای و بین المللی بر روابط دو جانبه ایران و ترکیه در سطوح سیاستگذاری و افکار عمومی تاثیر می گذارند و لذا باید بسیار مراقب بود چون دو کشور همسایه و دارای منافع و سرنوشت مشترک هستند. از نقطه نظر وی موضوع وقتی پیچیده تر می شود که بعد دیگری هم به روابط اضافه شود و آن بعد "سیاست داخلی" است که خود بر روابط خارجی دو کشور تاثیر می گذارد. این جنبه مربوط به "سیاست حزبی"<sup>1</sup> می شود. به عنوان مثال، اینکه چگونه سیاست "حزب عدالت و توسعه" حاکم در ترکیه می تواند سیاست خارجی ترکیه را در منطقه تحت تأثیر قرار دهد و یا تا چه اندازه سیاست داخلی ایران و پویایی های آن بر سیاست منطقه ای ایران تأثیر می گذارد.

در ادامه، شعبان کارداش، رئیس مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه در آنکارا بیان کرد که وی درباره ساختار اصلی روندها در منطقه که به سیاست خارجی قدرت های منطقه ای شامل ایران و ترکیه شکل می دهند، به طور خلاصه توضیح خواهد داد. در این خصوص، وی اظهار کرد که هم اکنون، منطقه در وضعیت بدتری نسبت به گذشته قرار دارد و ما مجبور به درک این مسأله هستیم تا بتوانیم تحلیل خود را از

---

<sup>1</sup>. Party politics

کشورهای منطقه و سیاست خارجی آنها آغاز کنیم. سپس، کاردش این پرسش مهم را مطرح کرد که چرا این وضعیت وجود دارد؟ چه چیزی در منطقه در جریان است که روز به روز مسائل منطقه ای را بدتر می کند؟ در این رابطه، وی عنوان کرد که ما باید عامل مهم ساختاری یعنی "محیط بازیگران منطقه ای" را بشناسیم؛ "خلاً امنیتی" پدیدار شده در منطقه منجر به شکل گیری "بی ثباتی" در خاورمیانه طی دو سال گذشته شده است. از آن زمان به بعد، بازیگران منطقه ای فاقد "سازوکارهای حل مناقشات" به منظور تأمین امنیت برای منطقه بوده اند و متأسفانه، هر روز "محیط امنیتی" منطقه در حال بدتر شدن است. از این لحاظ، سیاست خارجی ترکیه و ایران مجبور به "واکنش نشان دادن به این چرخه ناامنی" است و در این چارچوب، باید سیاست خارجی دو کشور را تحلیل نمود.

سپس، شعبان کاردش از دیدگاه ترکیه، به دو بازتاب این مسأله - محیط امنیتی بی ثبات خاورمیانه - اشاره کرد. در این راستا، وی پرسش مهمی را عنوان کرد که "چرا ما این دوره مبتنی بر چرخه ناامنی و بی ثباتی عمیق را در حال تجربه کردن هستیم؟" در این باره، وی ضمن اشاره به علاقمندی ترکیه به ایجاد "سازوکارهای اصیل و صحیح برای حل مناقشات منطقه ای" به ویژه در ارتباط با بحران عراق و سوریه توضیح داد که نخست، عدم توانایی بازیگران منطقه در حل این بحران ها منجر به ایجاد "چرخه خشونت و ناامنی" شده است. در نتیجه، ما شاهد هستیم که رقابت میان بازیگران و نیز قدرت های منطقه افزایش یافته است. بنابراین، به جای پرداختن به یک چارچوب مشترک به منظور حل کردن [برطرف کردن] "خلاً امنیتی"، قدرت های منطقه ای وارد "رقابتی امنیتی" شده اند؛ این امر منجر به "ناامنی" شده است. همچنین، از نقطه نظر وی، گرچه برخی بازیگران و تحلیلگران ادعا می کنند که منازعات کنونی دارای ریشه های تاریخی هستند و دلایلی هویت محور مانند علل قومیتی می توان برای کشمکش های کنونی متصور شد. اما به نظر

کارداش، این مسأله بیشتر "ساختاری" است و نمی توان فقط به تاریخ و هویت برای فهم رقابت کنونی میان قدرت های منطقه اشاره کرد. بنابراین، عمدتاً "رقابتی استراتژیک"<sup>1</sup> وجود دارد که باید آن را فهمید.

در ادامه، وی به دومین دلیل شکل گیری چرخه ناامنی و بی ثباتی در منطقه خاورمیانه اشاره کرد. در این ارتباط، وی بیان کرد که بعد دیگری که از دیدگاه ترکیه مهم است، مداخله فزاینده برخی قدرت های فرامنطقه ای جدید در مقابل بی علاقگی در حال افزایش قدرت های فرامنطقه ای دیگر می باشد. به ویژه، از لحاظ سنتی، قبلاً قدرت های فرامنطقه ای به خصوص قدرت های غربی و ایالات متحده امنیت منطقه خاورمیانه را تأمین می کردند. آنها به عنوان ثبات دهندگان نظام منطقه ای اقدام می کردند اما هم اکنون، آنها به طور فزاینده ای کمتر علاقمند به ایفای چنین نقشی هستند و بازیگران جدیدی همچون روسیه بیشتر علاقمند به وارد شدن در مسائل خاورمیانه هستند. بنابراین، این امر مولفه های بازی و نیز موازنه قوا در خاورمیانه را تغییر می دهد.

از نقطه نظر وی، همه این تحولات حاکی از این است که در خاورمیانه، علاوه بر وجود منازعات حل نشده، یک "گذار بزرگ قدرت"<sup>2</sup> در حال وقوع است. از لحاظ مطالعات امنیتی و نیز از نقطه نظر ادبیات روابط بین الملل، هنگام گذار قدرت، "درجه عدم قطعیت"<sup>3</sup> افزایش پیدا خواهد کرد و هرگاه درجه عدم قطعیت بالایی وجود داشته باشد، خطر وقوع مناقشات و کشمکش ها افزایش خواهد یافت. به نظر وی، این امر عامل ساختاری تعیین کننده و مهمی در شکل گیری سیاست خارجی کنونی ترکیه و ایران است و پیامدهای آن در عراق و سوریه دیده می شود. بنابراین، به طور کلی، "گذار قدرت ساختاری" موجب عدم

---

1. Strategic Rivalry

2. A Major Power Transition

3. Uncertainty

قطعیت می شود و عدم قطعیت نیز منجر به افزایش خطرات می گردد. بر این مبنا، آنچه در حال شکل گیری می باشد، این مسأله است.

سپس، کاردانش اظهار کرد که عامل مهم دیگر شکل دهنده به این محیط جدید و پارادایم تغییر قدرت، توافق هسته ای ایران و غرب است و این امر نیز به گونه ای به افزایش عدم قطعیت در منطقه منجر شده است. از آغاز، ترکیه برخلاف دیگر همسایگان ایران، حامی توافق هسته ای ایران بود زیرا از دیدگاه ترکیه، توافق هسته ای منجر به ارتباط بهتر، هماهنگی، مشارکت و مبادله میان ایران و همسایگان آن و نیز ایران و منطقه خواهد شد. اما متأسفانه، تاکنون پیامد توافق هسته ای، افزایش قطعیت به جای کاهش آن بوده است و این امر ترس بازیگران منطقه ای را برانگیخته است. در اینجا، لازم نیست که به این مسأله بپردازیم که چنانچه ایران به گونه ای متفاوت عمل می کرد، آیا موجب کاهش عدم قطعیت در نزد دیگران می شد یا نه. اما سرانجام، ما می بینیم که توافق هسته ای ایران به این تصویر پیچیده در منطقه خاورمیانه افزوده شده و در نتیجه، ما نوعی "معضل امنیتی"<sup>1</sup> پدیدار شده را میان ایران و قدرت های منطقه ای مشاهده می کنیم.

در ادامه، رییس مرکز اورسام بیان کرد که از دیدگاه ترکیه، این کشور با یک مسأله دشوار و بغرنج دو وجهی مواجه است. از یک سو، ترکیه بخشی از منطقه است و در نتیجه، آن بخشی از الگوهای رقابت منطقه ای و الگوهای موجود دشمنی در منطقه می باشد. همچنین، ترکیه از محیط منفی خاورمیانه تا حدی تغذیه می کند. اما از سویی دیگر، در مقایسه با بازیگران دیگر منطقه ای یعنی ایران و عربستان سعودی که بخشی از این معضل امنیتی هستند، ترکیه کمی از آن دور است؛ ترکیه کمی خارج از این مسأله [معضل امنیتی در منطقه خاورمیانه] است. بنابراین، ترکیه، به مثابه یک بازیگر خارجی، می تواند به این مسأله به عنوان یک موضوع مربوط به سیاست خارجی نگاه کند.

---

<sup>1</sup>. Security Dilemma

سرانجام، شعبان کارداش به این نکته اشاره کرد که در مقایسه با ایران، ترکیه از این نعمت برخوردار است؛ اینجا نقطه ای است که باید بعد غربی سیاست خارجی ترکیه و هویت غربی آن را درک کرد که این امر برخی اهرم ها را در مدیریت کردن رقابت های جاری و آتی در منطقه خاورمیانه در اختیار ترکیه قرار می دهد. اما هویت و ارتباط غربی ترکیه نیز تحت فشار این محیط جدید است زیرا این کشور احساس می کند که نیروی کشتی بزرگی آن را به امور منطقه ای می کشاند. در مقایسه با ۱۰-۲۰ سال گذشته، ترکیه در منطقه خاورمیانه بیشتر درگیر شده است. بنابراین، چالش بزرگ برای این کشور در سال های آینده، تنظیم کردن مداخله و حضورش در منطقه خاورمیانه در چارچوبی واقع گرایانه و نه در چارچوب مبتنی بر هویت خواهد بود. به ویژه، چالش اصلی برای ترکیه در مرحله آتی، اجتناب از ورود به تله فرقه گرایی و نیز اقدام نمودن در برابر ایران و عربستان سعودی براساس ملاحظات واقع گرایانه موازنه قدرت خواهد بود و این امر، آزمون بزرگی برای ترکیه خواهد بود.

سخنران بعدی، دکتر قدیر نصری، مدیر گروه روندهای فکری در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه بحث خود درباره تحولات اخیر در خاورمیانه را در سه محور بیان کرد. در آغاز، وی بیان کرد که نقشه خاورمیانه مملو از موضوعاتی مانند بحران، پناهنده، جنگ های داخلی و از هم پاشیدگی است؛ واگرایی در ترکیه، از هم پاشیدگی در عراق، موج پناهندگان در سوریه و موج پناهندگان در سرزمین های فلسطینی. من قصد دارم به دلایل این وضعیت و چنین تراژدی اشاره کنم.

دکتر نصری بیان کرد که دلایل این وضعیت و چنین تراژدی را در سه بخش تحلیل می توان توضیح داد. نخست آنکه، ریشه این وضعیت، متوقف شدن و باقی ماندن کشورهای خاورمیانه در گذشته است. گذشته، جنگ سرد، ایدئولوژی هویت و یا هر دو است؛ گذشته رقابت تسلیحاتی میان ایران - ترکیه، ایران - عربستان سعودی و ایران - اسرائیل است. متوقف شدن در گذشته برای زمان حال بسیار خطرناک است. در

کشورهای خاورمیانه گذشته بسیار مهم است و سپس، حال و آینده. منشا چنین وضعیتی تصورات غلط نخبگان سیاسی در این کشورها به ویژه بدفهمی و تحلیل اشتباه ترکیه نسبت به دلایل بنیادی و منطبق تحولات در سوریه و عراق است.

دومین دلیل بنیادی شکل گیری چنین وضعیتی در منطقه خاورمیانه، تضاد و برخورد میان قدرت های بزرگ منطقه است. در واقع، بحران های منطقه میان بحرین و امارات متحده عربی یا قطر و قبرس نیست. بلکه، بحران ها میان ایران - ترکیه، ایران - اسرائیل، مصر - ترکیه و ایران - عربستان سعودی اتفاق افتاده است. نتیجه چنین وضعیتی، تهدید مردم، تهدید اساتید دانشگاه و نیز تهدید نظم امنیتی منطقه خاورمیانه است. به نظر من، بزرگ ترین و قدرتمندترین برنده این تحولات اسرائیل است. اسرائیل برنده در منطقه است و این کشور از واگرایی میان کشورهای منطقه به ویژه رقابت ایران و ترکیه بهره برداری کرد.

همچنین، از دیدگاه دکتر نصری، سومین بخش تحلیل مربوط به تغییر نظم امنیتی منطقه و شکل گیری بازیگرانی واقعی مانند داعش، حکومت اقلیم کردستان و حزب کارگران کردستان (پ. ک. ک) می باشد. آنها بازیگران بسیار مهمی در رابطه با امنیت خاورمیانه هستند. بدین دلیل که ناکامی و ضعف دولت ها به ویژه دولت های مهم خاورمیانه مولفه جدیدی برای تحلیل این تراژدی است. ضعف دولت سوریه، ضعف دولت بغداد و تحریم ها علیه ایران، همه فرصت هایی برای داعش می باشند.

وی به عنوان جمع بندی بحث خود عنوان کرد که نتیجه چنین وضعیتی افزایش فعالیت های تروریستی در منطقه خاورمیانه است. تروریسم در خاورمیانه قوی ترین بازیگر تحولات کنونی و آتی می باشد. بنابراین، نتیجه تحلیل درخصوص چرایی ایجاد چنین وضعیتی در منطقه خاورمیانه متشکل از سه بخش می باشد: تغییر نظم امنیتی و نظام سایکس پیکو در منطقه خاورمیانه، افزایش بازیگران غیردولتی - که به ضرر امنیت منطقه است - و عدم وجود توانمندی های لازم برای شکل گیری همکاری ها میان کشورهای منطقه.



به عنوان سومین سخنران، امره ارشن، استاد دانشگاه مرمره استانبول درباره موضع روسیه در قبال خاورمیانه و به ویژه وضعیت سوریه بحث کرد. همچنین، وی درباره راهبرد روسیه در منطقه خاورمیانه و تأثیر آن بر روابط ترکیه - ایران و نیز بر پویایی های منطقه ای توضیح داد.

در آغاز، وی بیان کرد که یکی از مهم ترین تحولات در حوزه سیاست خارجی در سال ۲۰۱۵ این بود که روسیه به طور مستقیم و از لحاظ نظامی در سوریه مداخله کرد و این امر کاملاً موازنه منطقه ای را در آنجا تغییر داده است. اما این مسأله قطعاً معنای مهم تری را برای ترکیه دارد زیرا در ۲۴ نوامبر، ترکیه یک جت جنگنده روسی را به دلیل نقض حریم هوایی این کشور سرنگون کرد و از آن زمان به بعد، روابط ترکیه و روسیه ناگهان و به سرعت بدتر شد و هم اکنون، ترکیه در روابط خود با روسیه با بحران مواجه می باشد که این امر واقعاً تا حدی تعجب برانگیز است؛ چرا که در دهه ۲۰۰۰، روابط ترکیه - روسیه بسیار قوی بود؛ دو کشور روابط اقتصادی بسیار خوبی با یکدیگر داشتند. بسیاری ادعا می کردند که واقعاً روابط دو کشور در حال تبدیل به شراکتی استراتژیک به ویژه در چارچوب روابط انرژی میان دو کشور بوده است. بنابراین، تیره شدن ناگهانی روابط دو کشور غیرمنتظره بود اما این مسأله نشان می دهد که چگونه بحران سوریه تا این اندازه برای هر دو کشور مهم شده است؛ به طوری که سرانجام، این مسأله به برخوردی مستقیم میان ترکیه و روسیه تبدیل شد. از دیدگاه ترکیه، دلایل وقوع این امر قابل درک است زیرا از نظر ترکیه، هرآنچه در سوریه اتفاق می افتد، به طور قطع بسیار مهم است؛ به دلیل آنکه ترکیه طولانی ترین مرز را با سوریه دارد. بحران پناهندگان کنونی و تهدیدات امنیتی ناشی از سوریه به طور آشکارا نشان می دهند که هرآنچه در سوریه اتفاق می افتد، به طور مستقیم ترکیه را نگران می کند.

سپس، امره ارشن این پرسش را مطرح کرد که چرا روسیه علاقمند به سوریه است؟ چرا همه این اتفاقات در سال ۲۰۱۵ رخ دادند؟ در این رابطه، وی اظهار کرد که دلایل زیادی در این خصوص وجود دارند.

به نظر وی، مهم‌ترین آن، رقابت جهانی میان آمریکا و روسیه است. روسیه از مسأله سوریه به عنوان یک ابزار بسیار موفق برای متقاعد کردن افکار عمومی جهانی استفاده کرد؛ به نحوی که با روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ برخورد شود. به ویژه، چنانچه مبارزات انتخاباتی دوره سوم ریاست جمهوری پوتین نشان می‌دهد که همه آن تقریباً مربوط به "باقی ماندن" به عنوان یک قدرت بزرگ است. به منظور کسب این هدف، آنها از عدم تمایل ایالات متحده برای انجام اقداماتی در سوریه به نحوی عالی استفاده کردند؛ آنها به طور مستقیم و از لحاظ نظامی وارد صحنه سوریه شدند. بنابراین، از لحاظ ژئوپلیتیکی، آنها (روس‌ها) در حال پر کردن خلأ هستند. در دهه ۲۰۰۰، در بیشتر زمان‌ها، روسیه طرف بازنده بود. به عنوان مثال، ناتو تا مرزهای خود روسیه گسترش یافته است و بدین دلیل است که روسیه در اوکراین (سال ۲۰۱۴) و نیز پیش از آن، در گرجستان (سال ۲۰۰۸) واکنش نشان داد.

همچنین، از نقطه نظر ارشن، خط قرمزهایی در سیاست خارجی روسیه وجود دارند. در این باره، وی بیان کرد که فضای شوروی سابق یکی از آن خط قرمزها بود، اما خط قرمز مزبور توسط غرب نقض شد. در نتیجه، روسیه وضعیت کنونی را بدین گونه درک می‌کند. به عنوان مثال، سال گذشته، مهم‌ترین مسأله در حوزه سیاست خارجی، اوکراین و کریمه بود. امروز، دیگر هیچ کس درباره آنها - اوکراین و کریمه - صحبت نمی‌کند زیرا آنها به روسیه در سوریه نیاز دارند؛ آنها می‌بایست روسیه را [در سوریه] بپذیرند و یکی از دلایل اصلی که روسیه هم اکنون در سوریه است، بدین دلیل می‌باشد. دوم آنکه، به طور آشکارا، روسیه منافعی را در سوریه دارد. حکومت اسد روابط بسیار خوبی را با مسکو از لحاظ اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... در دهه ۲۰۰۰ داشت. به عنوان مثال، پایگاه دریایی طرطوس، پایگاه بسیار مهمی برای روسیه است. زیرا آن تنها پایگاه نظامی مسکو در دریای مدیترانه است؛ آن در دهه ۱۹۷۰، در دوره شوروی سابق ساخته شد. بنابراین، در مجموع، این امر در خصوص روابط قوی روسیه و سوریه به ما ایده می‌دهد. به طور قطع،

سوریه بسیار مهم است؛ چرا که آن مجرای راهبردی روسیه به دریای مدیترانه به ویژه به منطقه شرق مدیترانه است؛ بدین دلیل است که روسیه سعی می کند تا حضور خود را در آنجا حفظ کند.

سیس، امره ارشن، استاد روابط بین الملل عنوان کرد که روسیه تلاش می کند تا از وضعیت پس از توافق هسته ای ایران استفاده کند؛ به گونه ای که آن به ایجاد نوعی "محور استراتژیک" در منطقه می اندیشد؛ چرا که در حال حاضر، منافع آنها و ایران در ارتباط با مسأله سوریه با یکدیگر تلاقی پیدا کرده است. روسیه تلاش می کند تا از این چارچوب منطقه ای جدید برای ایجاد یک واقعیت استراتژیک جدید در منطقه استفاده کند.

همچنین، از نقطه نظر وی، اما نگرانی های داخلی نیز در روسیه وجود دارد. در این خصوص، وی اظهار کرد که از لحاظ داخلی، مشکلات مهم سیاسی و اقتصادی در روسیه وجود دارد. در سال گذشته، اقتصاد روسیه ۴ درصد تنزل یافت. ۵۰ درصد درآمدهای روسیه از صنعت نفت و گاز است. بنابراین از لحاظ اقتصادی، روسیه در وضعیتی جدی است. در نتیجه آنها از این مسأله برای معطوف کردن توجه به سیاست خارجی استفاده کردند. بنابراین، آنها به شدت، به یک پیروزی در حوزه سیاست خارجی نیاز داشتند آنها هر زمان که مشکلاتی جدی در داخل داشته باشند، ما انتظار داریم که در سیاست خارجی روسیه اتفاقی رخ دهد. به عنوان مثال، می توان به مسأله گرجستان در سال ۲۰۰۸، مسأله اوکراین در سال ۲۰۱۴ و اخیراً نیز به بحران سوریه اشاره کرد. همچنین، بعد تروریستی نیز مطرح است که به طور یقین، روسیه را نگران می کند زیرا آنها معتقدند که هم اکنون، بیش از ۲۰۰۰ جنگجوی روسی در حال جنگ در روسیه هستند. بنابراین، آنها نگران هستند که این جنگجویان ممکن است به روسیه بازگردند و مشکلی را برای سیاست روسیه ایجاد کنند؛ چرا که روسیه مشکلاتی را نیز در ارتباط با چین و منطقه قفقاز دارد.

ارشن در جمع بندی بحث فوق عنوان کرد که بنابراین، اساساً روسیه نگرانی هایی دارد. بدین دلیل است که سوریه به مسأله ای بسیار مهم برای آنها تبدیل شده است و در این خصوص، آنها مرتکب اشتباهی استراتژیک شدند. از یک سو، آنها روابط کاری با ترکیه داشتند. در رابطه با سوریه، روس ها با ما اختلاف نظر دارند. اما آنها روابط اقتصادی با ترکیه داشتند؛ آنها در حال ساخت نیروگاه هسته ای ترکیه بودند. ۵۵ درصد از گاز طبیعی ترکیه از روسیه تأمین می شود. اما از سوی دیگر، آنها واقعاً ظرفیت منازعه سوریه را دیدند و فکر کردند که این مسأله مهم تر و با ارزش تر برای سیاست خارجی روسیه در طولانی مدت است و روس ها تصمیم گرفتند که این بحران را تشدید کنند؛ چرا که به اظهارات روسیه و ترکیه نگاه شود، می توان پی برد که به طور عامدانه، روسیه در حال تلاش برای تشدید این بحران است و برای آنها مهم نیست که رهبران ترکیه در حال تلاش برای آرام کردن وضعیت سوریه هستند. اظهارات روسیه در مقابل ترکیه بسیار تند است و هم اکنون نیز ادامه دارد. روس ها سامانه موشکی اس - ۴۰۰ خود را در سوریه مستقر کردند که در عمل، آنها فضای هوایی را نه تنها در مقابل هواپیماهای ترکیه، بلکه در برابر هواپیماهای غربی نیز بستند.

در پایان، امره ارشن در خصوص روابط ایران و ترکیه و اینکه چه اقداماتی در رابطه با این روابط می توان انجام داد، بحث کرد. در این ارتباط، وی بیان کرد که به طور قطع، ترکیه از وضعیت کنونی ایجاد شده در رابطه با روسیه بسیار ناراحت است زیرا باور بر این بود که روسیه "شریکی استراتژیک"<sup>۱</sup> برای ترکیه می تواند باشد و یقیناً، ترکیه قصد ندارد که روسیه را از دست دهد. بنابراین، به دلیل نبود ایران در این معادله [معادله روابط ترکیه و روسیه]، ممکن است این کشور بتواند نقشی با اهمیت را در این رابطه ایفاء کند زیرا ایران، یکی از کشورهای پیشنهاد دهنده برای میانجی گری میان روسیه و ترکیه بود. ایران قادر است که چنین

---

<sup>۱</sup>. Strategic Partnership

اقدامی را انجام دهد؛ چرا که آن روابط کاری با روسیه دارد و همچنین، با وجود اختلاف نظرهایی میان ایران و ترکیه، آنها رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند.

همچنین، ما می‌بایست به خاطر داشته باشیم که به عنوان مثال، در مذاکرات وین پیرامون حل بحران سوریه، ترکیه، ایران و روسیه بازیگران بسیار مهمی بودند. بنابراین، بدون همکاری آنها با یکدیگر، ما شاهد راه حلی نهایی برای بحران سوریه نخواهیم بود. بسیار مهم است که آنها با یکدیگر کار کنند و همچنین، مجبوریم به یاد داشته باشیم که ما درباره نزدیک شدن منافع ایران و روسیه در سوریه گفتگو کردیم. البته [ روابط روسیه و ایران] هم خیلی روابط عاری از مشکل نیست. آنها اختلاف نظرهایی دارند؛ به عنوان مثال، از لحاظ اقتصادی و سیاسی، روسیه رابطه نزدیکی با اسرائیل و نیز عربستان سعودی دارد. مهم تر آنکه، چنانچه شما به اظهارات سخنگوی روسیه درباره آینده اسد گوش کنید، متوجه می‌شوید که آنها می‌توانند درباره یک معامله جداگانه با کشورهای غربی مبنی بر نبود اسد در آینده سوریه مذاکره کنند که این امر ممکن است به ضرر ایران باشد. بنابراین، همه این کشورها باید با یکدیگر به منظور غلبه بر این بحران کار کنند.

عبدالرسول دیوسالار، به عنوان سخنران پایانی درباره نگاه ایران به حضور روسیه در منطقه و اهداف آن بحث کرد. در آغاز، وی بیان کرد که برگزاری چنین گفتگوهایی موجب می‌شود تا درک ما نسبت به فهم ایران و ترکیه از موضوعات حیاتی منطقه افزایش یابد. بیشتر ما بر این امر توافق داریم که روابط ایران و ترکیه به نوعی رقابت آمیز است؛ نوعی رقابت استراتژیک که برای بیشتر ما کاملاً آشکار است. البته، اشتراکات تاریخی و منافع اقتصادی - استراتژیکی نیز میان آنها وجود دارد. اما مهم‌تر از همه، همواره نوعی "الگوی مهار استراتژیک"<sup>1</sup> در روابط ایران و ترکیه حاکم بوده است. مقصود از الگوی مهار استراتژیک این است که هر دو کشور به خوبی می‌دانند که از لحاظ جغرافیایی، آنها تا ابد در کنار یکدیگر هستند. بنابراین، ضروری

---

<sup>1</sup>. Strategic Containment Model

است که آنها نوعی "الگوی مهار بحران" را ارائه دهند. این امر به آنها این امکان را می دهد که به سوی رقابت "بسیار محدود و کنترل شده‌ای" با یکدیگر کشانده شوند.

از نقطه نظر آقای دیوسالار، هم اکنون روابط ایران و ترکیه در مسیر رقابت استراتژیک بسیار شدیدی قرار دارد؛ زیرا الگوی "قطب بندی قدرت های منطقه ای" حاکم است. در این اثنا که ایالات متحده راهبرد جدید "موازنه از راه دور"<sup>1</sup> خود را در منطقه اعلام کرده است، مسأله حضور روسیه در منطقه خاورمیانه بسیار حیاتی است. منظور از "راهبرد موازنه از راه دور" آمریکا، راهبرد مبتنی بر همکاری بیشتر با قدرت‌های منطقه ای است. در این میان، روسیه نیز راهبرد خاورمیانه ای خود را عنوان کرده است. ترکیب این دو عنصر با یکدیگر یعنی راهبرد موازنه از راه دور آمریکا و حضور روسیه در منطقه خاورمیانه نشان می دهد که آنچه در حال اتفاق افتادن است، این است که ترکیه در حال ایجاد نوعی ائتلاف با بلوک سنی - متشکل از کشورهای سنی خاورمیانه ای می باشد. منظور از بلوک سنی، مجموعه ای از کشورها شامل عربستان سعودی، امارات متحده عربی و دیگر کشورهای عربی است که معمولاً فهم مشترک روشنی نسبت به ارزش ها و دیدگاه های ترکیه دارند.

سپس، وی به این نکته اشاره کرد که در عین حال، ایران نیز در حال ایجاد نوعی ائتلاف با روس ها می باشد که آن مبتنی بر "فهمی استراتژیک" و "منافع استراتژیک" هر دو طرف می باشد. بنابراین، این امر بدین معنا است که به نظر می رسد هر دو بلوک در حال تلاش کردن در حرکت در این مسیر هستند. چه ما این مسأله را دوست داشته باشیم و چه دوست نداشته باشیم، این دو بلوک در منطقه خاورمیانه در حال شکل گیری است و آن در مسیر برخورد و تصادم با یکدیگر قرار دارند. این دو بلوک از یک سو، متشکل از روسیه، ایران و کشورهای وابسته به آن شامل عراق، شاید سوریه و دیگر بازیگران غیردولتی و از سوی دیگر،

---

<sup>1</sup>. Offshore Balancing Strategy

شامل عربستان سعودی، ترکیه و دیگر کشورهای عربی می باشد. در این چارچوب است که ایران تحولات کنونی مربوط به ترکیه را نگاه می کند.

همچنین، وی مساله شکل گیری دو بلوک در منطقه را بدین شکل توضیح داد که در واقع، این امر ناشی از عملکرد "الگوی گذار قدرت" است؛ خاورمیانه در آستانه مواجه شدن با نوعی "پویایی قدرت" یا ارائه یک "نظام جدید قدرت" است. منظور از "پویایی قدرت"، ورود روسیه به منطقه خاورمیانه است که به طور محتاطانه ای، ترکیه را به سوی دولت های عربی می کشاند و از دیدگاه ایران، بعد از سرنگونی جت جنگنده روسی توسط ترک ها، این حرکت ترکیه به سوی کشورهای عربی کاملاً مشهود است. در این راستا، می توان به اظهارات اردوغان بعد از تیره شدن روابط تهران - ریاض در هفته گذشته - حادثه سفارت عربستان در تهران - اشاره کرد؛ ایران این مسأله یعنی حمایت اردوغان از عربستان را نوعی ائتلاف یا بلوک قلمداد می کند که در حال شکل گیری است. در مقابل این "بلوک سنی"، "بلوک ایران - روسیه" قرار دارد. چه چیزی این بلوک ها در اختیار دارند؟ احتمالاً، ایران از کارت روسیه به منظور کنترل نمودن ترکیه استفاده می کند و یا ترکیه از کارت عربستان سعودی برای کنترل و مهار کردن ایران استفاده می کند. دیوسالار در جمع بندی بحث خود بیان کرد که بنابراین، این به معنای ایجاد نوعی "قطب بندی در میان قدرت های منطقه ای" است که آنها را در مسیر تصادم (برخورد) با یکدیگر قرار می دهد. البته، این امر به نفع هیچ یک از این کشورها نمی باشد.

در ادامه، آقای دیوسالار به کارت های متعددی که ائتلاف (بلوک) ایران - روسیه دارا است، اشاره کرد. در این ارتباط، وی اظهار کرد که به طور یقین، "مهم ترین کارت امنیتی آنها، سیاست آنها در رابطه با کردها" می باشد؛ شکل گیری یک نوع سیاست مشترک میان ایران و روسیه در قبال مسأله کردها را می توان

---

<sup>1</sup>. Polarization of the Regional Powers

متصور شد. کارت دیگر برای ایران، شکل گیری نوعی سیاست در رابطه با اقتصاد پس از لغو تحریم ها است؛ یعنی "چند جانبه گرایی اقتصادی." پس از لغو تحریم ها، اقتصاد ایران به سوی چندجانبه گرایی پیش خواهد رفت و فرصت های جدیدی در اقتصاد ایران مطرح خواهد شد. این امر بدین معنا است که با لغو تحریم ها به نوعی، "واگرایی اقتصادی" میان ایران و ترکیه می تواند شکل گیرد. همانطور که، پس از حذف تحریم ها ایران درباره بازننگری روابط اقتصادی خود با امارات متحده عربی اندیشیده است. ایران روابط اقتصادی گسترده ای با امارات دارد اما هم اکنون، به عنوان مثال، در حال جایگزینی بنادر امارات با سایر بنادر از جمله با بنادر عمان است.

کارت دیگر ایران، "راهبرد موازنه از راه دور" آمریکا است. به دلیل وجود مشکلات و ضعف بلوک سعودی - ترکی، هسته اصلی راهبرد موازنه از راه دور آمریکا، وارد کردن قدرت های منطقه ای جدید به بازی و همکاری کردن با آنها است. همکاری های جدید آمریکا با قدرتهای منطقه ای کنونی، بدین معنا است که حمایت آمریکا از عربستان سعودی و ترکیه دیگر آنقدر که ترک ها و سعودی ها درباره آن تصور می کنند قوی نخواهد بود. با این وجود، فهم امنیتی و گفتگوی امنیتی کنونی میان ایران و روسیه، منافع بیشتری را برای همکاری کردن آنها با یکدیگر حداقل برای یک دوره طولانی مدت مطرح می کند.

کارت پایانی دیگر که در اختیار ایران است، "کارت روسیه" است. در واقع، ایران با استفاده از کارت روسیه - به دلیل نقش جدید پدیدار شده میان روسیه و ترکیه و در نهایت، بلوک بندی ایجاد شده میان روسیه و ترکیه - می تواند آزادی عمل بیشتری در قفقاز و آسیای میانه داشته باشد. به نظر می رسد که تسهیل روابط میان روسیه و ایران، حداقل به ایران کمک خواهد کرد تا حدی آزادی عمل بیشتری در آسیای میانه و قفقاز داشته باشد.



سرانجام، نکته پایانی عبدالرسول دیوسالار این بود که هم ایرانی ها و هم ترک ها در چنین روندی قرار دارند؛ چه ما با آن موافق باشیم و چه موافق آن نباشیم. اما آنچه پژوهشگران دو کشور می توانند انجام دهند، ارائه پیشنهاد مشترک آنها به سیاستگذاران است: "استفاده از این کارت ها یعنی استفاده از کارت عربستان سعودی توسط ترکیه و کارت روسیه توسط ایران برای روابط ایران و ترکیه سازنده نیست." بنابراین، شکاف ایجاد شده میان ایران و ترکیه طی ماه های گذشته به نفع هیچ یک از آنها نمی باشد. بنابراین، ضروری است که درک و نگرشی جدید در رابطه با روابط دو جانبه آنها شکل گیرد.

در ادامه، دکتر برزگر بیان کرد که مبارزه با تروریسم و داعش و یا پویایی های منطقه ای، روابط ایران و ترکیه را تا حدی در "چارچوبی راهبردی تر" قرار داده است. اما به طور هم زمان، باید اندیشید که این امر فقط آغاز شکل گیری نوعی از روابط است که برای ایران "جدید" می باشد. روابط ایران و ترکیه جایگاه خاص خود را در سیاست خارجی ایران دارد. هیچ قدرت منطقه ای از آوردن یک قدرت بزرگ<sup>1</sup> به منطقه خوشحال نخواهد شد. شاید ایران از حضور روسیه در سوریه خوشحال است؛ چرا که این امر موجب شده تا موازنه قوا به نفع ایران در حال تغییر کردن باشد - که این مسأله هم صحیح است. اما در عین حال، اهداف دیگری در سیاست خارجی ایران نیز وجود دارد تا مداخله روسیه در منطقه در سطحی وسیع تر یعنی در عراق، سوریه و دیگر جاها تثبیت نشود.

سپس، وی به این نکته اشاره کرد که روابط ایران و ترکیه چارچوب سستی خود را خواهد داشت و بنا نیست که آن تغییر کند زیرا یک قدرت منطقه ای همواره بر آن است که روابط تثبیت شده و پابرجایی با قدرت منطقه ای همتای خود ایجاد کند و در این رابطه، باید توجه داشت که ایران و ترکیه قدرت های فرامنطقه ای نیستند.

---

<sup>1</sup>. Super Power

در ادامه، بحث با گفتگوی ایران و ترکیه، از طریق مطرح کردن دیدگاه‌های محققان ترکی - ایرانی ادامه یافت.

نخست، پژوهشگر مرکز اورسام بیان کرد که هیچ اختلاف ساختاری یا واگرایی ساختاری میان ترکیه و ایران وجود ندارد. در واقع، دلایلی ساختاری و ژئوپلیتیکی هر دو کشور را مجبور به کار کردن با یکدیگر می‌کند. ما اختلافات تاریخی، سرزمینی و یا جمعیتی با یکدیگر نداریم. بنابراین، این موضوع برای روابط ایران و ترکیه بسیار مثبت است. در دهه گذشته، ما روابط سالمی را به خاطر حاکم بودن عقلانیت بر روابط دو کشور داشتیم. ما مولفه ایدئولوژی را از روابط دوجانبه خود بیرون کشیدیم و بر "بخش بندی" روابط خود تأکید کردیم. به جای تأکید بر نکات متضاد و اختلافات منطقه ای، ضروری است که بر تقویت روابطمان تأکید کنیم؛ این امر همواره راهبرد ایران و ترکیه برای توسعه روابط دوجانبه بوده است. متأسفانه، در دهه گذشته، رقابت فزاینده ای در منطقه میان عربستان سعودی و ایران بوده است. ترکیه یک بلوک سنی را رهبری نمی‌کند، بلکه عربستان سعودی برای کشاندن ترکیه به این رقابت تلاش می‌کند. ترکیه سعی می‌کند تا میان این دو قدرت در جایگاهی متعادل جای گیرد و میان این دو بلوک قرار گیرد. همچنین، ترکیه تلاش می‌کند تا روابط خود را هم با عربستان سعودی و هم با ایران توسعه دهد و از یکی از طرفین حمایت نمی‌کند.

سپس، از سوی ایران، دکتر جعفر حق پناه، کارشناس مسائل ترکیه اظهار کرد که معمولاً هنگامی که درباره موضوعات امنیتی در خاورمیانه صحبت می‌کنیم، از رهیافت های واقع گرایانه و یا اخیراً از سازه‌انگاری (رهیافت کارگزار - ساختار) استفاده می‌کنیم. آنها مفید هستند، اما واقع‌گرایی درباره این است که چه اقداماتی قدرت های بزرگ و جهانی انجام می‌دهند و سازه‌انگاری نیز درباره اقدامات بازیگران غیردولتی

---

<sup>1</sup>. Departmentalization

توضیح می دهد. اما در رابطه با قدرت های منطقه ای مانند عربستان سعودی و مصر، از اصطلاح دیگری می توان استفاده کرد. به نظر می رسد که این کشورها تا حدی از سیاست های مخربی در قبال تهدیدات استفاده می کنند و سیاست هایی احساسی را دنبال می کنند. متأسفانه، به دلیل عدم ارتباط میان این کشورها، آنها فقط بر دوره کوتاه مدت تهدیدات تمرکز کرده اند.

سرانجام، پژوهشگر مرکز اورسام، ضمن اشاره به اینکه وی یک اقتصاددان سیاسی است، بیان کرد که در اقتصاد، منظور از یک کارت، وسیله ای مفید و جایگزین (آلترناتیو) است. واقعا فهم این مساله برای من دشوار است که چگونه روسیه می تواند کارتی برای ایران باشد. آیا تصور می کنیم که روسیه قصد دارد دست به جنگی علیه ترکیه، عضو ناتو زند؟ واقعا فهم این مساله برای من دشوار است. اما از نقطه نظر اقتصادی، بزرگ ترین صادر کننده به ایران چین (با ۳۰ درصد از کل صادرات ایران) است. دومین صادر کننده به ایران، هند (در حدود ۱۲ درصد از کل صادرات ایران) و سومین صادر کننده نیز ترکیه می باشد. من واقعا معتقدم که چین - همان طور که همه ما می دانیم - مشکلات اقتصادی بزرگی دارد. طی هفته گذشته، آنها دو بار مجبور به متوقف کردن معاملات خود در بازارهای سرمایه شدند و همراه با افت اقتصادی چین، به احتمال زیاد، آسیا نیز به تبع آن، به این وضعیت دچار خواهد شد. بنابراین، همان طور که به یاد داریم، در زمان تحریم ها، ترکیه کمک بزرگی بود و در کنار ایران ایستاد. ما با یکدیگر همسایه هستیم و همان طور که همه می دانیم، ما همسایگانمان را انتخاب نمی کنیم. اما باید توجه کرد که دو اقتصاد واقعی در این منطقه وجود دارند: اقتصاد ترکیه و اقتصاد ایران. بنابراین، همگرایی اقتصادی و نیز همکاری های اقتصادی میان این دو کشور، نه تنها به سود آنها بلکه به سود کل منطقه خواهد بود. اما به منظور داشتن روابط اقتصادی خوب، دو کشور مجبور به ایجاد روابط سیاسی خوب با یکدیگر هستند. همچنین، لازم است که دو کشور گفتگوهای مثبتی را با یکدیگر داشته باشند تا آنها بتوانند از روابط سیاسی خوبی برخوردار باشند.

در پایان نیز سخنرانان نشست مزبور به پرسش‌های حضار پاسخ دادند.

نویسنده: فهیمه قربانی، پژوهشگر پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه